



ویل دورانت

---

# درباره معنی زندگی

شهاب الدین عباسی



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

۱۱.....	زندگی ما چه معنایی دارد؟
۱۳.....	مقدمه
۲۱.....	بخش اول: تمنای معنی
۲۳.....	فصل اول: یک نامه
۲۷.....	فصل دوم: مسئله و دین
۳۱.....	فصل سوم: مسئله، و علم
۳۷.....	فصل چهارم: مسئله، و تاریخ
۴۱.....	فصل پنجم: مسئله، و آرمانشهرها
۴۵.....	فصل ششم: خودکشی عقل
۵۱.....	بخش دوم: اندیشه‌های درباره‌ ناخشنودی کنونی ما
۵۳.....	فصل هفتم: اهل ادبیات پاسخ می‌دهند
۷۵.....	فصل هشتم: بازیگران، هنرمندان، دانشمندان، مربیان و رهبران وارد بحث می‌شوند
۹۵.....	فصل نهم: دیندارها پاسخ می‌دهند
۱۰۵.....	فصل دهم: سه زن پاسخ می‌دهند

## ۸ ■ دربارهٔ معنی زندگی

- فصل یازدهم: اندیشه‌هایی از زندان ..... ۱۱۵
- فصل دوازدهم: شکاکان سخن می‌گویند ..... ۱۲۳
- فصل سیزدهم: دربارهٔ معنی زندگی ..... ۱۲۹

## مقدمه

در پاییز سال ۱۹۳۰، ویل دورانت در خانه‌اش در لیک‌هیل نیویورک، سرگرم جمع کردن برگ‌ها بود. آب و هوا، خاص آن وقت از سال بود و نسیم خوش و خنکی که از شمال می‌وزید، حسی از نشاط و سرزندگی در او می‌دمید. دورانت همین طور که مشغول کار بود، مرد خوش‌پوشی نزدیکش شد و با صدایی آرام به او گفت قصد دارد خودش را بکشد مگر آنکه فیلسوف بتواند دلیل معتبری برای او بیاورد که این کار را نکند. دورانت که فرصتی برای پرداخت فلسفی به این موضوع نداشت، نهایت تلاشش را کرد تا دلیلی برای ادامه زندگی به دست آن مرد بدهد. خود دورانت بعدها ماجرا را این طور به یاد می‌آورد:

به او پیشنهاد کردم کاری برای خودش دست‌وپا کند، ولی او یکی داشت. گفتم غذای خوبی بخورد، ولی او گرسنه نبود. معلوم بود که دلیل‌های من تأثیری روی او نگذاشته بود. نمی‌دانم چه بر سرش آمد. در همان سال چندین نامه اعلام خودکشی دریافت کردم؛ بعدها متوجه شدم که ۲۸۴۱۴۲ خودکشی بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۳۰ در ایالات متحده رخ داده است.

چه دوراهه دشواری و چه آماری! و آمارهای اخیر حتی هشداردهنده‌تر هستند: سازمان بهداشت جهانی تخمین زده که تنها در سال ۲۰۰۰ میلادی یک میلیون نفر به زندگی خود پایان داده‌اند؛ در ایالات متحده به طور متوسط ۸۴/۴ نفر در روز خودکشی می‌کنند، که به ۳۰۹۰۳ مرگ به دست خود می‌انجامد. هر ۱۷/۱ دقیقه، یک نفر امیدش را وامی‌نهد و به زندگی خود خاتمه می‌دهد.<sup>۱</sup>

پس آیا اصلاً عجیب است که پرسش جاودان فلسفه این باشد که «معنی زندگی چیست؟» و آیا سؤالی مهم‌تر از این می‌تواند وجود داشته باشد؟ اندیشمندان و فرزندگان، در طول قرون متمادی برای صورت‌بندی پاسخ‌هایی به این پرسش ابدی سعی و تلاش بسیار کرده‌اند. برای عده‌ای، این کار یک موش‌گیری فکری است و برای عده‌ای دیگر، همان‌طور که دیدیم، جواب این سؤال معنایی بسیار عمیق، و بالقوه نتایجی مهلک دارد. خود این سؤال حاکی از سؤال‌های فراوان دیگر است، اینکه ما در این جهان چه می‌کنیم؟ آیا خدایی هست؟ اگر هست، چرا این همه رنج می‌کشیم؟ اگر نیست فایده نفس کشیدنمان چیست؟ آیا وجودمان بر روی این کره خاکی صرفاً آخرین تمرین برای نمایش بهتری است که در پی می‌آید، یا هر چه هست همین است؟ و اصلاً هستی چیست؟ یک نمایش مضحک و عجیب و غریب کیهانی؟ نوعی سازگاری اتفاقی اتم‌هایی که طی میلیون‌ها سال به آفرینش موجودات ذی‌شعوری «پر از خشم و هیاهو برای هیچ» منتهی شدند؟ یا معنای عمیق‌تری در کار است؟ دوران‌ت می‌گوید این مسئله معنی زندگی مدتی طولانی اهمیت خاصی برای او داشت:

از وقتی که ایمان دینی‌ام را از دست دادم در مورد این مسئله به فکر فرو می‌رفتم، و زمان‌هایی غرق در حالتی از دل‌سردی می‌شدم، شبیه دلهره یا اضطرابی که در دوره معاصر اگر زیست‌ناسیالیست‌های فرانسوی و آلمانی از آن حرف زده‌اند... قصد دارم مزه

---

۱. این اطلاعات بر پایه پژوهشی از سوی سازمان بهداشت جهانی فراهم شده که گزارش آن در نشانی زیر آمده است:

دهن شخصیت‌های سرشناس را در مورد معنی زندگی بفهمم، پاسخ‌های آن‌ها را چاپ کنم، و پاسخ خودم را هم اضافه کنم.<sup>۱</sup>

دورانت نشست و نامه‌ای نوشت، نامه‌ای که در طرح پرسش‌ها، فلسفی بود و طنینی شاعرانه داشت. او آن نامه را برای صد نفر فرستاد و از آن‌ها دعوت کرد نه تنها به پرسش بنیادی معنی زندگی (به طور انتزاعی) جواب بدهند بلکه بگویند خودشان (به طور عینی و خاص) در زندگی چگونه معنی، هدف و رضایتمندی یافتند. به تعبیر دورانت:

سرچشمه‌های الهام و انرژی شما چیست؟ هدف یا انگیزه نیروبخش زحمت و تلاش شما چیست؟ از کجا تسلی خاطر و شادمانی می‌یابید و دست آخر، گنج‌تان در کجا نهفته؟

مطمئناً دورانت امید داشت پاسخ‌هایی که از چنین چهره‌های پُرفروغی دریافت می‌کرد چیزی در خودشان داشته باشند که به پرسش آن بیگانه خوش‌لباسی که در آن روز پاییزی سال ۱۹۳۰ در باغش ظاهر شد، جواب در خوری بدهد. در واقع، قضیه فراتر از این‌ها بود؛ پاسخ‌ها بیش از آنکه تاریک و اندوه‌بار باشند، شوق‌انگیز و مثبت بودند و رفعت و ستایشی شادمانه را در هر واقعیت و جودی بیان می‌کردند. پاسخ‌های آن‌ها همراه بود با بصیرت‌هایی شخصی در این زمینه که چگونه باید زندگی را معنی‌دارتر کرد.

پاسخ‌ها از همه سو بودند و از فهرستی درخشان از شخصیت‌های برجسته می‌آمدند، کسانی چون: رهبر بزرگ معنوی موهانداس گاندی؛ نخست‌وزیر (وقت) هند، جواهر لعل نهرو؛ نویسندهٔ بد اخلاق آمریکایی اچ. ال. منکن؛ نویسنده و طبیعت‌گرا (ناتورالیست)، تئودور درایزر؛ سینکلر لوئیس (اولین آمریکایی برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات)؛ رمان‌نویس / استاد ادبیات (در دانشگاه کلمبیا) جان ارسکین؛ چارلز ای. بیرد (شاید پرنفوذترین مورخ در تاریخ آمریکا)؛ جان کوپر پوئیس

---

1. Will and Ariel Durant, *Will & Ariel Durant: A Dual Autobiography*. Simon and Schoster, New York, © 1977 Will Durant. Page 168.

شاعر؛ ادوین آرلینگتون رابینسن (که در آن زمان بزرگ‌ترین شاعر در ایالات متحده به حساب می‌آمد)؛ دکتر چارلز میو (بنیانگذار کلینیک میو)؛ پیانیست و رهبر ارکستر نامدار روسی - آمریکایی اوسپ گاوریلوویچ؛ کاوشگر قطب شمال/ ماجراجو/ نویسنده ویلهلمور استفانسون؛ روان‌شناس/ نویسنده خشن هولاک ایس؛ کارل لمله (بنیانگذار استودیوی یونیورسال، هالیوود)؛ ارنست ام. هاپکینز (رئیس سابق کالج دارتمت)؛ ناشر بزرگ روزنامه آدولف اس. آکس (مردی که نیویورک تایمز را در سال ۱۸۹۶ به دست آورد و بعدها سررشته فیلادلفیا تایمز و فیلادلفیا پابلیک لجر را در اختیار گرفت، و برای پافشاری‌اش بر گزارش بی‌طرفانه و تقریباً تحلیلی اخبار معروف بود)؛ کشیش/ نویسنده آمریکایی جان هینز هلمز (که از دوستان نزدیک مهاتما گاندی و پایه‌گذار انجمن ملی پیشرفت رنگین‌پوستان و همین‌طور اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا بود)؛ ادمیرال برد؛ هنرپیشه طنزپرداز ویل راجرز؛ هنری فتریلد آزر بن (از موزه تاریخ طبیعی آمریکا)؛ فیلسوف و رمان‌نویس فرانسوی آندره موروا؛ سی. وی. رامان (برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۳۰)؛ ابه دیمنه، فیلسوف/ نویسنده کتاب پر فروش هنر فکر کردن؛ مری اما وولی (مرئی صاحب‌نام و رئیس پیشین کالج مونت هولیوک)؛ دانشمند/ نویسنده جینا لومبروسو؛ ورزشکار آمریکایی هلن مودی (مدت‌ها خیلی‌ها او را بزرگ‌ترین تنیس‌باز زن در تاریخ ورزش می‌دانستند؛ او در مجموع ۱۹ عنوان قهرمانی تک نفره در مسابقات قهرمانی فرانسه، و مسابقات قهرمانی ویمبلدن و ایالات متحده کسب کرد)؛ نمایشنامه‌نویس بزرگ ایرلندی جورج برنارد شاو؛ فیلسوف برنده جایزه نوبل برتراند راسل؛ کنت هرمان کایزرلینگ (عموماً اولین اندیشمند غربی‌ای شمرده می‌شود که به درک و ترویج یک فرهنگ فراگیر در زمین نائل شد، چیزی فراتر از ناسیونالیسم و نژادگرایی فرهنگی، که بر پایه توجه به فرهنگ‌ها و فلسفه‌های غیر غربی استوار بود). برای تکمیل نقطه نظرها، حتی از یک زندانی محکوم به حبس ابد در زندان سینگ سینگ نوشته‌ای دریافت شد.